

**پاسارگاد**

«بهترین خاطرات من مربوط به همان دوره است که در اداره ارشاد سیرجان بودم. البته خودمان به ارشاد شدن نیاز داریم. شناس من بود که کارمند مس بودم و با آقای جعفری آشنا بودم. چون سال‌ها کار فرهنگی می‌کردم در ۲۷ سالگی یا به اداره سیرجان گذاشتم» این‌ها را حمید نیک‌نفس رییس اسبق اداره ارشاد سیرجان و یکی از طنزپردازان استان در گفت‌وگویی با بیژن ادبی روزنامه‌نگار در گروه واتس‌اپی جشنواره مهر ۱۴۰۰ می‌گوید. او که سال‌هاست در حوزه فرهنگ و هنر به‌خصوص طنز فعالیت ویژه‌ای دارد، هم‌چنان از سال‌ها حضورش در سیرجان به نیکی یاد می‌کند. نیک‌نفس در مورد حضورش در سیرجان می‌گوید: «کسانی پیش‌تر در سر من کرده بودند که کارمندان اداره ارشاد سیرجان کاری به فرهنگ ندارند. برداشتم این بود که تعدادی هنرمند سیرجانی هستند که علاقه‌ای هم به این اداره ندارند. به من وارد سیرجان و اداره شدم. خوشبختانه دوستانی پیدا کردم که هنوز هم آنها را می‌بینم. هنرمندانی که نمی‌توانم فراموش کنم. وقتی وارد اداره شدم، دیدم مرحوم استاد شکاری روی یک صندلی چوبی نشسته‌اند و چه‌جا هم ایستاده و یاروی زمین نشسته‌اند و تمرین مشق عشق می‌کنند. خیلی آن صحنه برام عزیز بود. با هر که روبرو شدم، یک از یک بهتر بودند. مرحوم محمود رعایی، آقای آزادی‌خواه و بسیاری دیگر. احمد و محمود انصاری، چه‌جا تئاتر، انجمن شعر، آقای بیگم‌رادی. با این‌که که سال‌هاست بازنشسته شدم، دلم در کوچگی پس کوچ‌های سیرجان است.»

او ادامه می‌دهد: شنیدم جایی کسی گفته است که مدیریت من از شکوفاترین دوران‌های ارشاد سیرجان بوده‌است، به‌رحال محصول فضای طبیعی بعد از انقلاب بود که ما هنوز به موسیقی، آهنگ‌ها و سرودهای انقلابی می‌گفتیم و کسرت‌زنده‌نشده‌اشتم. زنان بروی صحنه تئاتر، جایی نداشتند و حالا داشت جایی‌شان باز می‌شد. من در حالی به سیرجان آمدم که کسی نمی‌دانست که اتفاقات جدیدتری در حال رخ دادن است و بخشنامه‌های محرمانه‌ای از وزارت ارشاد آمده است که مدیران باید فضا را عوض کنند و جوانان علاقه‌مند به هنر و انقلاب بشوند تا از فضای انقلاب فاصله نگیرند. باید آن فضا عوض می‌شد. من این اتفاق را بدون کمک چه‌جا سیرجان، نمی‌توانستم بپذیرم.

نیک‌نفس از سختی‌های کارش می‌گوید: حسن ماجرا این بود که من کارمند مس بودم و کارمند سازمانی ارشاد نبودم. من به اعتقاداتم عمل می‌کردم نه صرفاً به بخشنامه‌های ارشاد. من نمی‌خواستم آماری آماده کنم که مثلاً در انجمن شعر یا خوشنویسان،

**گیی خودمانی با حمید نیک‌نفس شاعر و طنزپرداز کرمانی بهترین خاطرات من از سیرجان است**

امیدوارم در اداره ارشاد سابق سیرجان به خاک سپرده شوم



عکس: محمد لطیف‌کار

نیک‌نفس در ادامه می‌گوید: وقتی که من به اداره ارشاد آمدم، از دوستان شاعر پرسیدم که چند نفر شاعر داریم گفتند آقای رعایی، خانم احمدپور و شهید بندی. به محمود آقای ستوده گفتم که باید سرگروه ادبیات دبیرستان‌های سیرجان را ببینم. گفتند آقای فتوحی است. من زنگ زدم که لطفاً به ارشاد بیاوید اما نپذیرفتند. من باز هم به صورت تلفنی اصرار کردم که می‌خواهم ببایم و دیدن ادبیات را ببینم. با تصوری که از اداره ارشاد داشتند، حدس معلم‌ها، این بود که من می‌خواهم به آن‌ها سرزنم و رهنمود بدهم. آقای فتوحی خیلی سرد و سرسنگین جواب دادند. اجازه خواستم که در گروه ادبیات شرکت کنم. آقای فتوحی با اکراره نپذیرفتند. همه دبیران ادبیات در سطح دبیرستان و راهنمایی، با اخم و آبروان گریخته‌آمده بودند. من شروع به صحبت کردم. آن لحظه به‌جای حرف زدن، گریه کردم. گفتم دوستان من این‌جانی‌امدم آمار شاعران را بالا ببرم و خودم را مطرح کنم. گفتم: دلم می‌سوزد در شهری با آن‌های به بزرگی‌ساتنی‌پاریزی و صفا‌زاده، به من می‌گویند فقط ۳ شاعر وجود دارد. این‌ها خیلی جا خوردند که یک رفسنجانی دارد برای

این قضایا دل می‌سوزاند و گریه می‌کند. خیلی‌ها به این باور رسیدند که صادقانه می‌گویم از آنها خواستم، همه بچه‌های علاقه‌مند مدارس را به من معرفی کنند. من نمی‌گویم که همه‌ی بچه‌ها شاعر بودند اما برای تک‌تک آن‌ها، دعوت‌نامه رسمی فرستادیم و واقعا اولین جلسه حضور این دانش‌آموزان در تالار فردوسی، جا برای سوزن انداختن نبود. انجمن شعر آزاد و مستقل فرهنگی به تدریج همین‌گونه شکل گرفت. آن‌ها هستند که به انجمن‌ها شخصیت می‌دهند.

او در ادامه بازگویی خاطراتش می‌گوید: تمام آن ارتباطات خاطره‌است. ۲۰ روز قبل از آن که ببایم، خبر داشتم که قرار است، ارشاد سیرجان را به عهده بگیرم. آقای رعایی از آن دسته آدم‌هایی است که هیچ‌گاه فراموش‌شان نمی‌کنم. در جلسه شعری که سیرجان برگزار شد، به‌طور اتفاقی ردیف جلو کنار هم بودیم. من هم شعری خواندم. ایشان مرا تشویق کرد. من از ایشان پرسیدم که وضع شعر در سیرجان چگونه است، ایشان خیلی گل‌مندی بود. گفتند نگران نباشید، به زودی اتفاق خوبی رقم خواهد خورد. البته از آمدن خودم چیزی نگفتم. اتفاق خوب، صرفاً آمدن من نبود.



می‌شدیم. حاجی ذغال‌فروشی بود که ما در کرمان مستاجرش بودیم و ۹ به بعد، برق کرمان قطع می‌شد و المپیا روشن می‌کرد. بعد از این که پیرمرد، خودش رامی‌ساخت، شاهنامه می‌خواند و ما با آن خیال‌پردازی می‌کردیم. باور کنید از کارتون دین بچه‌های فعلی خیلی فراتر بود. یک شاهنامه رنگ و رو رفته‌ای را درمی‌آورد و برای ما می‌خواند و ما با رستم به دشت‌های تونان و شکار گورخر می‌رفتیم. حافظ تأثیر بسیار زیادی بر من داشت و قبل از آن کلاس اول دبستان را در قاسم‌آباد رامسر درس خواندم. رقص قاسم‌آبادی در دنیا معروف است. خانم‌های قاسم‌آبادی موقع چای چیدن و برنج نشا کردن با دامن‌های بلند می‌آمدند، چون می‌خواستند خشکی‌شان را بعد ۷.۶ ساعت کار مداوم از تن بگردانند. کارشان نرمش و تمرین بود. دبستان ما چندمنظوره بود و در مدرسه دو تا کلاس اول و ششم داشت.

او ادامه می‌دهد: گاهی معلم از من سؤال‌هایی در مورد تاریخ می‌پرسید و من هم پاسخ می‌دادم. بچه‌ها و پرارم مرا کنک می‌زدند که این چه وضعی است که همیشه جواب می‌دهی. معلم در مورد بهاریه کلاس ششمی‌ها موضوع انشا داد و من هم در مورد بهار، شعری به حد سن خودم، گفتم. معلم گوش مرا کشید که کربز! دیدگه دروغ‌نگو. من هم پذیرفتم که من هم بزغاله هستم و هم شعرا خودم نگفتم. بعداً که به کرمان برگشتم، من اصلاً از لجه کرمانی هیچ نمی‌دانستم. به تلفظ، فرهنگ و رویت و به کیسه، جیب می‌گفتم. به قول بچه کرمانی‌ها، زندی می‌شکستم.

اولین روزی که دبستان رفتیم، معلم گفت که نیک‌نفس با کلمات را بکن تو کیسه‌ست. من تعجب کردم که باید از صبح، برای وسایلم، کیسه پارچه‌ای بپارم!؟ به جیب اشاره کرد: پس این چیزه؟ من هم گفتم جیب. خلاصه فکر کرد دارم مسخره‌اش می‌کنم. خط‌کشی، ته‌دستم‌زد و آن روز تصمیم گرفتم که لجه کرمانی را یاد بگیرم و با گویش مادری خودم، آشنا شوم. نیک‌نفس می‌گوید: شعرهاییم در آن دوره خیلی خوب نبود. حتی پدرم هم نمی‌دانست من شعر می‌گویم. دبیرستانی بودم که در جمعی خانوادگی، شعر گفتم. بعد از رفتن مهمان‌ها، پدرم یقه‌مرا گرفت که تو دهن‌ت بوی شیر می‌دهد، راجع به عشق شعر می‌گی؟ بهم برخورد و دیگر در خانه چیزی نخواندم. بعد از سیزده‌ی، من با بچه‌های شعر ارتباط پیدا کردم. نامه‌ای از انجمن شعر فرستجان آمد که فلانی بیا. پدرم گفته بود من چنین فرزندی که شاعر باشد، ندارم. خلاصه او فهمید شاعریم.

او در ادامه می‌گوید: آن سال‌ها گذشت، من به سن رفته و بعدش هم زودتر از موعد بازنشسته شدم و به موسسه‌ای رفته که آقای مهدی‌محبی

تشکیل داده بودند. در «مفرغ» ما کار فرهنگی می‌کردیم. آن‌جا با روزنامه‌مهندس فردوسی آشنا شدم و در فردوس کویریک ضمیمه طنز به نام «قینوس» درآوردیم. من تا آن روز شعر طنز نگفته بودم. شعر لوگو را من گفتم: از بس که در آن معرکه قینوس شنیدیم/ راهی نگزیدیم جز گفتن قینوس/ ما دست نویسیم و تملق نویسیم/ در مکتب ما کفر بود منطق ناپوس/ آزان که گذشتند بی‌سید کج‌جارت/ این‌چم و پهلوی و شوکت کلووس و آخوش می‌رسید به این بیت: با خلق خدا هر که دریافت/ در جاده تاریخ زن، ندده معکوس.

دیدم عجب، استعداد شعر طنز هم دارم و کم‌کم کار اصلی‌ام گفتن شعر طنز به گویش محل کرمان شد. از اولین شعرهای محل‌ام هم این بود: عزیزم وُرگلدی، وُرگلدی/ سه‌چار پنج روز به مَلَم نمی‌دی/ اگه مَلَم ندی، وامی سِلنگم/ حال کم، شتر دیدی، نندی.

چرا دوبیتی؟ شتر کوه بُلن، لالایی‌ها و کارهای آقای آزادی‌خواه را که دیدم، این قالب را برای بیان اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها انتخاب کردم. چون دوبیتی ماندگار می‌ماند. با اظاهر همه حفظ هستند، چون ساده‌وشیرین است. مجموعه «دل‌پسنگوی» من که هزار دوبیتی است که اگر برگردم و بخواهم اصلاح کنم، ۵۰ درصد «دل‌پسنگو» را تجدید نظر می‌کنم و هیچ ادعایی ندارم.

وی افزود: من از همون روزهایی که نمی‌دانستم کیسه‌ی یعنی چی، به دنبال تکمیل لجه کرمانی‌ام رفتم. خاله‌ای که مرا خیلی دوست داشت، در همان کودکی از او فرهنگ و رویت خواستم. او هم نمی‌دانست فرهنگ و رویت چیست. راه‌طرازی رفتیم و وقتی نشانش دادم، گفت: چرا زندی می‌شکنی خاله‌جان! بگو تلفظ می‌خواهم. از آن‌جا به بعد سعی کردم اصطلاحات کرمانی را کامل یاد بگیرم.

قدیما زنگی‌ها مون ساده‌تر بود. بادته!؟ تو در و همسایه‌ها کلی خبر بود. بادته!؟ آب باریک‌ای داشت و به دوخچه زیر پایش/ اسم این آدم بیچاره پدر بود. بادته!؟ ده نونو بچه بشین حرف زنن، بتمرگ و نکن و توپ و تشر بود. بادته!؟ آخوش می‌کم، به اداره کل نبودم. مردم ارشاد بکنن/ اسم اون اداره فرهنگ و هنر بود. بادته!؟

من امیدوارم در همان اداره ارشاد سابق سیرجان به خاک سپرده شوم. کنار همان ستون‌هایی که در کتابخانه استاد شجاعی آمد که با دیگر چینی‌ارایی‌مان دوباره بسازد. من چون لحظات زیادی را با درویش‌خان در باغ سنگی گذراندم و هر وقت دلم تنگ می‌شد به آن‌جامی‌رفتم.

**فراخوان مناقصه انجام عملیات نظیف و رفت و روب ساختمان و محوطه و نگهداری پایانه مسافربری بعثت (نوبت اول)**

**شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: انجام عملیات نظیف و رفت و روب ساختمان و محوطه و نگهداری پایانه مسافربری بعثت) به شماره ۰۳/۰۰۰۰۰۹۱۲۸۷/۲۰۰۰۰** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا رایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵** می‌باشد.

**مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** از تاریخ انتشار اسناد مناقصه تا ساعت ۱۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

**مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** از تاریخ دریافت اسناد مناقصه تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

**زمان بازگشایی پاکت‌ها:** ساعت ۱۶:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گر جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها آدرس: سیرجان- بلوار قائم- جنب پمپ سی‌ان‌جی- سازمان مدیریت حمل‌ونقل بار و مسافر - شماره تماس: ۰۳۴ - ۴۲۳۳۵۸۰۰

علاقه‌مندان به شرکت در مناقصه می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند. مرکز پشتیبانی و راهبردی سامانه: ۰۲۱ - ۹۳۳۴ - ۴۱

دفتر ثبت‌نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

اطلاعات تماس دفتر ثبت‌نام سایر استان‌ها در سایت سامانه ([www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir)) بخش ثبت‌نام/ پروفایل مزایده‌گر موجود است.

**مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان**

**آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای واگذاری امور مربوط به خرید تجهیزات ذخیره‌ساز شبکه (SAN)**

دانشکده علوم‌پزشکی سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای واگذاری امور مربوط به پروژه خرید تجهیزات ذخیره‌ساز شبکه (SAN) به شماره ۰۳۷/۰۰۰۰۰۹۲۹۶۲/۲۰۰۰۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵** می‌باشد.

**مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

**مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** ساعت ۱۴:۴۵ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

**زمان بازگشایی پاکت‌ها:** ساعت ۹ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

**زمان جلسه توجیهی:** ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها به آدرس ذیل مراجعه نمایند.

(الف) آدرس: بلوار سیدجمال- جنب پارک ترفیک- دانشکده علوم‌پزشکی. تلفن: ۰۶۲۵ - ۴۲۳۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۰۲۱ - ۹۳۳۴ - ۴۱

دفتر ثبت‌نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

**روابط عمومی دانشکده علوم‌پزشکی سیرجان**

**فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تهیه مصالح و اجرای روکش جداول رفوژ بلوار عباسپور سال ۱۴۰۰ (نوبت اول)**

**شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: تهیه مصالح و اجرای روکش جداول رفوژ بلوار عباسپور سال ۱۴۰۰) به شماره ۱۱/۰۰۰۰۰۵۶۷۴/۲۰۰۰۰** از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵** می‌باشد.

**مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** از تاریخ انتشار اسناد مناقصه تا ساعت ۱۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

**مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** از تاریخ دریافت اسناد مناقصه تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

**زمان بازگشایی پاکت‌ها:** ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گر جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها آدرس: سیرجان- میدان انقلاب- شهرداری مرکزی- امور قراردادها - تلفن: ۰۳۴ - ۴۱۳۲۵۰۷۷

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱ - ۹۳۳۴ - ۴۱

دفتر ثبت‌نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

**مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان**

**آگهی مزایده عمومی شماره ۱۳/۱۴۰۰/ز**

**شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در نظر دارد «۶۰ هزار تن گندله سنگ آهن با عیار ۶۵ درصد» را از اسکله شهید رجایی بندرعباس با شرایط تحویل به صورت FOB، از طریق مزایده به فروش برساند. متقاضیان می‌توانند به منظور دریافت اسناد مزایده و همچنین اطلاع از شرایط مزایده به وبسایت این شرکت به نشانی [www.geg.ir](http://www.geg.ir) بخش مناقصه و مزایده مراجعه نمایند.**

لازم به ذکر است پاکت پیشنهادی می‌باید حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲ به آدرس: دفتر کمیسیون معاملات مجتمع سیرجان (کیلومتر ۵۰ جاده شیراز) تحویل داده شود. تاریخ بازگشایی پاکت رأس ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۳ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع سیرجان خواهد بود.

**کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر**

Analysis %		
Min	65.00	Fe
Ave	1.50	FeO
Max	0.04	P
Max	0.008	S
Max	2.5	SiO2
Max	0.6	Al2O3
Max	0.6	CaO
Max	2.2	MgO
Ave 250		CCS(kg/p)
Min 90		8-16 mm%
Max 3.9		Al1%
Min 95		T1%
		Prosity%
19-24		
Min 90		Reducibility%